

تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران

رکن‌الدین همایونفرخ

کتابخانه‌های ایران در قرن اول اسلامی

قسمت اول این مقالات بصورت کتاب جداگانه تحت عنوان «کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران» از طرف وزارت فرهنگ و هنر بمناسبت هفته کتاب انتشار یافته است و اینک بخش دوم آن آغاز میگردد.

چنانکه در بخش اول این سرگذشت، گذشت و در این بخش نیز خواهد آمد کشور ایران یکی از کشورهای انگشت‌شماری است که کتابخانه‌های عظیم آن شهرت جهانی داشته است و آنچه نویسنده این سطور را به تنظیم و تحریر و تألیف تاریخ کتابخانه‌های ایران برانگیخت ابتکار و فراموشی و نسبیانی است که نویسندگان عرب و غرب را درباره کتابخانه‌های ایران دست داده است!

دانشمندان عرب درباره کتابخانه‌های اسلامی بطور اختصاصی به تحقیق پرداخته و آثاری نشر داده‌اند لیکن با کمال تأسف و تعجب باید گفت در آثار خود متذکر کتابخانه‌های بزرگ ایران نشده‌اند و وجود آنها را در طی تاریخ گذشته ندیده و نشنیده گرفته‌اند. محققان غرب نیز به پیروی از دانشمندان و محققان عرب همه جا باختصار و احياناً بسکوت و خاموشی برگرار کرده‌اند.

جرجی زیدان مورخ مصری که درباره ایرانیان دچار تعصب و تجاهل شدید است و بعلت همین تعصبات، خشک دچار گمراهی‌های مسخره‌آمیز و شگفت‌انگیز شده است (۱) در کتاب آداب‌اللغه (۲) که سخن از کتابخانه‌های جهان بمیان آورده نامی از کتابخانه‌های معروف پیش از اسلام ایران نبرده است بدیهی است او، نه میخواسته و نه میتواند چنین شهادتی دراز تعصب داشته باشد که با توصیف و بیان کتابخانه‌های عظیم ایران در دوران باستان و انهدام و نابودی آن بدست عمر خلیفه اسلامی و سرداران او این ننگ و وحشتناک تاریخی را بدست عرب صحه بگذارد. غافل از اینکه حقایق تاریخی را هیچگاه نمیتوان مکتوم نگاهداشت و جهان را از آن بی‌خبر گذاشت. اگر اینگونه محققان کبک‌وار سز بردامان برف فرو برند و وقایع را ننگرند حقایق اگر از چشم ایشان مکتوم باشد اما از دید جهانیان پوشیده و پنهان نمی‌ماند.

۱ - نظرات دور از حقیقت او درباره ابومسلم خراسانی و افشین بهترین نمونه این تعصبات خشک اوست.

۲ - ج چهارم.

فرید وجدی مصری مؤلف دائرة المعارف اسلامی (۳) با آنکه در دائرة المعارف خود از کتابخانه‌های جهان یاد کرده موآنها را بر شمرده است لیکن متذکر هیچیک از کتابخانه‌های دوران پیش از اسلام ایران نشده است، این تجاهل و تعصب نه تنها دامنگیر محققان معاصر عرب گردیده با کمال تأسف و تأثر باید گفت که محققان و مورخان گذشته عرب نیز دستخوش این تعصب و تجاهل بوده‌اند مانند: ابن خلدون، ابن اثیر، بستانی.

محققان گذشته عرب همه معتقدند که تمدن اسلامی در علوم اعم از نقلی و عقلی بکمک فکری و قلبی ایرانیان نمو یافته و رونق گرفته است، لیکن با یک چنین اعتراف باز درباره کتابخانه‌های ایران که مرجع مراجعه دانشمندان و دانش پژوهان عرب هم بوده است خاموشی و سکوت را مرجح شمرده‌اند!

متأسفانه دیده می‌شود که ملل عرب زبان غالباً کوشیده‌اند از مفهوم واقعی اسلامی به نفع خود من غیر حق و واقع سوء استفاده کنند و آنرا بنحوی خاص توجیه سازند می‌بینیم درباره‌ای از مواقع تمدن اسلامی، بصورت تمدن عربی تعبیر میشود و تغییر شکل و ماهیت میدهد و ملل خاصی میکوشند تحت لوای این شعار از آن بهره‌برداری کنند. اینجاست که بر ما واجب است حقایق را باز گو کنیم و بیش از این سکوت را جایز نشماریم زیرا همین سکوت‌ها سبب گردیده که حتی دانشمندان غرب هم در اشتباه افتند و بسیاری از حقایق را از گونه در آثارشان نشان بدهند، همچنانکه پرفسور ادوارد برون درباره کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام سخنی نگفته و بسکوت گذرانده است.

حقیقت اینست که تمدن اسلامی مدیون و مرهون تمدن درخشان و پیشرفته ایران بوده است. مستشرق شهیر پرفسور اینوسترانسف (۴) در کتاب معروف خود بنام تأثیر ادب ایران در غرب به تفصیل در این مورد به تحقیق پرداخته و بشایستگی از عهده برآمده است.

گوستاو لوبون فرانسوی نیز در کتاب تمدن اسلامی صریحاً بکرات متذکر این نکات شده است مکتوم ماندن این حقایق و مسکوت گذاشتن این دقائق درباره کتابخانه‌های ایران موجب شده است نویسندگان بیگانه از عمق ریشه و عظمت نبوغ فکری ایرانیان غافل بمانند و گاه بیگاه مطالبی دور از حقیقت بنویسند. با بیان این مقدمه ارزش تحقیق درباره کتابخانه‌های ایران بر ما مشهود می‌افتد.

ایرانیان پس از تسلط اسلام در قرن اول هجری برای نجات آثار و اسناد و گنجینه‌های فکری و ذوقی خود بچاره پرداختند و نخستین گامی که در این راه برداشتند اختراع و استخراج خط فارسی از خط راس سهریه بنام خط پیرآموز بود. ایرانیها با این خط نوبنیاد نخست بنوشتن قرآنها پرداختند تا راه عیب‌جوئی و مخالفت عربها را بر این خط ملی به بندند زیرا سوزانیدن قرآن بنام زندقه و کفر امکان نداشت، با این راه و با این چاره‌جوئی خردمندان توانستند طی مدت شصت الی هفتاد سال بروج خط پیرآموز توفیق یابند و آنرا جزو خطوط اسلامی بقبولانند. پس از اینکه خط پیرآموز بنام خط اسلامی پذیرفته شد و خوشبختانه ابتکار ابن مقله ایرانی با استخراج خط نسخ و ثلث از آن موجب گردید که اعراب نیز خط خود را از کوفی بدان مبدل سازند و با این ترتیب بیش از پیش خط پیرآموز و نسخ نضج گرفت و کتابهای علمی و ادبی با این خط نوشته شد و میتوان گفت از آغاز قرن دوم هجری در ایران کتابهای علمی و ادبی نوشته شده است و کتابخانه‌ها بنیاد گردید. نزدیک به همین زمان است که در ایران پایه‌های حکومت‌های ملی نیز گذاشته شده است. طاهریان در خراسان و صفاریان و سپس سامانیان و دیلمانیان در عرصه حکومت ایران ظاهر شده‌اند. اینک به معرفی کتابخانه‌های این دوران می‌پردازیم.

۳ - ضمن مقاله کتبخانه

۴ - چاپ پترسبورگ

۱ - کتابخانه ابوالوفای همدانی

در شرح حال حبیب ابن اوس طائی معروف به ابی تمام که از شاعران شهیر عرب است (۵) آمده است که (۶) بدعوت عبدالله بن طاهر بایران آمد و چون آمدن او بازمستان سخت مواجه شد ناچار گردید که در همدان بماند. خود او میگوید که در همدان در منزل ابوالوفای سلمه بسر می‌برده و در طی مدت اقامت در همدان از کتابخانه عظیم او استفاده کرده و کتاب دیوان الحماسه را که در آن آثار سیصد تن از شعرای شهیر عرب را آورده تألیف کرده است.

قطعا در کتابخانه ابوالوفای همدانی بیش از سیصد جلد کتاب از دیوانهای شعرای عرب وجود داشته است که ابی تمام توانسته با انتخاب از سیصد دیوان کتاب معروف خود را تألیف کند. مسلم است که قبل از سنه ۲۰۰ هجری کتابخانه ابوالوفای همدانی در همدان وجود داشته و بهمین قیاس میتوان دریافت که در دیگر شهرهای مهم ایران دانشمندان و معارف کتابخانه‌های معتبر و مهم داشته‌اند. خاصه در بلخ و بخارا - مرو - نیشابور - قم - ساوه که این شهرها همه از مراکز مهم مذهبی نیز بوده‌است.

۲ - کتابخانه بهاءالدوله دیلمی

بنوشته مقدسی در احسن التقاسیم (۷) بهاءالدوله دیلمی کتابخانه بزرگی داشته‌است و عظمت این کتابخانه را از اینجا میتوان دریافت که ابن بواب معروف مدتها کتابداری آن کتابخانه را برعهده داشته‌است.

۳ - کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز

کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز یکی از بزرگترین کتابخانه‌های بزرگ و شهیر ایران بوده‌است، این کتابخانه را باید نخستین کتابخانه‌ای دانست که کتابهای آنرا بر حسب موضوع و نام و نام مؤلف طبقه‌بندی کرده و هر علم و دانشی را در اوراق مخصوصی نگاهداری میکرده‌اند و برای هر علم و دانشی فهرستی بر اساس موضوع و نام کتاب و نام مؤلف ترتیب داده بوده‌اند. مقدسی خود این کتابخانه را دیده بوده است او می‌نویسد: در کتابخانه عضدالدوله از هر کتابی که تا آن زمان تألیف و تصنیف یافته بود نسخه‌ای نگاهداری می‌شد و کتابهایی نیز وجود داشته که بخط مؤلفان و مصنفان آن بوده است.

۴ - کتابخانه عمادالدوله دیلمی

از بشاری روایت کرده‌اند که گفته است (۸) عمادالدوله دیلمی نیز در شیراز کتابخانه‌ای معتبر و بزرگی ترتیب داده بود که نزدیک کاخ سلطنتی او جای داشته.

باتوجه باینکه عمادالدوله دیلمی از سال ۳۲۲ - ۳۳۸ در شیراز حکومت میکرده و فرمان میرانده است قدمت کتابخانه او نیز آشکار میگردد.

۵ - کتابخانه نوح بن منصور سامانی

دودمان سامانیان در ماوراءالنهر از حامیان و دوستاران دانشمندان و ترویج ادب و فرهنگ فارسی بوده‌اند. ابن سینا در شرح حال خود شمه‌ای از عظمت و بی نظیری کتابخانه نوح بن منصور

۵ - در گذشته بسال ۲۲۲ . ه . ق .

۶ - مقدمه دیوان ابی تمام . چاپ مصر .

۷ - ص ۴۴۹ - ۴۵۱ .

۸ - احسن التقاسم مقدسی .

آورده است که در اینجا عیناً نقل می‌کنیم .

« . . . سپس روزی از او (نوح بن منصور) دستور خواستم که بکتابخانه‌شان بروم و آنچه از کتابهای پزشکی در آنجا هست بخوانم و مطالعه کنم ، پس مرا دستوری داد و بسرایی اندر شدم که خانه‌های بسیار داشت و در هر خانه‌ای صندوق‌های کتاب بود که رویهم انباشته بودند، در یک خانه کتابهای تازی و شعر و در دیگری فقه و بدینگونه در هر خانه‌ای کتابهای دانشی ، پس بر فهرست کتابهای او ائیل نگریستم و هر چه از آنها را که بدان نیاز داشتم خواستم و کتابهایی یافتم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود (۹) .

ابن اصبیعه در طبقات الحکما و ابن خلکان نیز از کتابخانه نوح بن منصور سامانی یاد کرده‌اند .

کتابخانه سامانیان شهرت جهانی داشته است . ابن سینا مدت‌ها در آن کتابخانه بمطالعه پرداخت و همین موضوع دست‌آویزی بدست مخالفان او داد و برای آنکه ابن سینا را متهم سازند بکاری دست یازیدند که شنیع‌تر از آن بتصور نمی‌آید و آن اینکه کتابخانه را با آتش کشیدند و طعمه حریق ساختند و شهرت دادند که ابن سینا به‌عمد و قصد کتابخانه را سوزاند تا دانشهای منحصری که کهدر آن بود دیگران بر آنها آگاه نشوند و آن علوم تنها بر ابن سینا مکشوف باشد !!

۶ - کتابخانه صاحب بن عباد - در ری

در معجم‌الادباء (۱۰) و روضات الجنات (۱۱) و کتاب‌النقض (۱۲) درباره عظمت و بزرگی کتابخانه صاحب بن عباد شرح حال و مطالب جالبی آمده است .

صاحب بن عباد از وزرای کم‌نظیر و باتدبیر ایران است که گذشته از کیاست و فراست مردی دانشمند و سخنوری هوشمند و نویسنده‌ای ارجمند بوده است .

منشآت صاحب در زبان تازی از نظر فصاحت و بلاغت در ردیف آثار برجسته و نمونه زبان تازی است .

صاحب بن عباد ضمن توصیف از کتاب‌الآغانی ابوالفرج اصفهانی مینویسد :

«در کتابخانه‌ام یکصد و هفده هزار جلد کتاب نفیس دارم !! لیکن آنگاه که کتاب‌الآغانی را بدست آوردم از خواندن کتابهای دیگر بازماندم» .

ابن خلکان از نامه‌ای یاد میکند که نوح بن منصور سامانی برای صاحب بن عباد فرستاد و او را برای وزارت خود به‌بخارا خواند ، صاحب بن عباد که بترك ری علاقه‌ای نداشته است بمقام عذرخواهی برآمده و طی نامه‌ای به‌معاذیری متعدد متوسل و متعذر میگردد و از آن جمله مینویسد «من بدون کتاب نمیتوانم زندگی کنم و باید کتابخانه‌ام را هرجا هستم همراه داشته باشم . در حالیکه برای حمل کتابهایم حداقل چهارصد شتر لازمست و این مقدار شتر در دسترس نیست» . برای این کتابخانه عظیم فهرست جامعی نیز ترتیب داده بوده‌اند که خود شامل ده مجلد می‌شده است .

صاحب بن عباد این کتابخانه یکصد و هفده هزار جلدی را وقف عام کرده بوده است . یعنی آنرا کتابخانه عمومی اعلام کرده بود ، بعدها این کتابخانه چنانکه خواهیم گفت پایه و مایه کتابخانه عمومی شهر ری گشت و بنام دارالکتب ری شهرتی عظیم یافت و متأسفانه دچار سرنوشت نکبت‌باری شد که در صفحات آینده چگونگی آنرا خواهیم گفت .

۹ - پورسینا ص ۶۵ .

۱۰ - ج دوم ص ۳۱۴ .

۱۱ - ص ۴۷۸ .

۱۲ - ص ۱۱۲ .